

درسنامه جامع علم النفس

«ویژه کنکور ارشد وزارت علوم»

نمونه جزوه جامع علم النفس (فرزانه قیومی)

✓ درسنامه جامع چارچوب بندی شده

✓ تست های طبقه بندی شده کنکوری و تالیفی + پاسخنامه تشریحی

✓ ضمیمه نکات ترکیبی علم النفس با دروس روانشناسی

✓ پوشش دهی کلیه منابع علم النفس

✓ شامل سوالات ۱۴۰۴

فرزانه قیومی

راه های ارتباطی جهت تهیه محصول :

اپراتور تلگرام: @farzaneh_psychology 

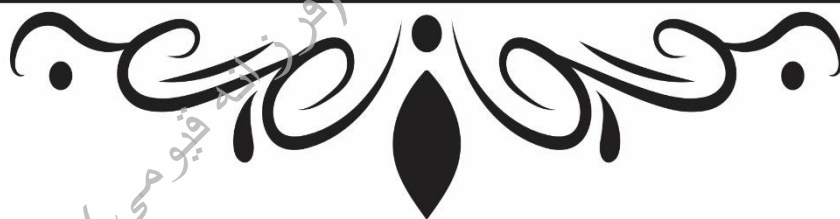
کانال تلگرام: https://t.me/farzaneh_psychologyy

اینستاگرام: @farzaneh_psychology 

کتابخانه علم النفس (فرزانه قیومی)



بخش اول: نظریات فلاسفه اسلامی



فصل اول: مقدمه

پیشینه روانشناسی

روانشناسی دانشی است که به یک اعتبار عمری کوتاه ۱۵۰ ساله (روانشناسی تجربی) و به اعتبار دیگر عمری بلند ۲۰۰۰ ساله (روانشناسی فلسفی) دارد.

روانشناسی فلسفی (علم النفس)	روانشناسی تجربی
سرآغاز سقراط فیلسوف یونانی با سردادن ندای معروف «ای انسان خودت را بشناس» بشریت را به اندیشیدن در خود و گوهر روحانی خویش دعوت کرد. پس از آن افلاطون در کتاب‌های «جمهوری» و «فدون» بحث‌هایی را درباره نفس و جاودانگی آن مطرح ساخت. بعد از افلاطون، ارسطو در کتاب «نفس» به بررسی ماهیت و قوای نفس پرداخت. بعد از او مطالعات فلسفی و نظری در شرق و غرب ادامه یافت و در اسلام نیز فیلسوفان پیرو حکمت‌های مشایی، اشراقی و صدرایی درباره نفس تحقیق کردند.	سرآغاز بررسی روانشناسی به عنوان دانشی تجربی به تاسیس نخستین آزمایشگاه روانشناسی در سال ۱۸۷۹ میلادی به وسیله ویلهلم وونت در شهر لایپزیک آلمان برمیگردد. نخستین مکتب تجربی در عرصه روانشناسی، روانشناسی درون نگر بود و بعد از آن در قالب مکتب ساخت گرای به وسیله ادوارد تیچنر در آمریکا ظاهر شد. و از این به بعد روانشناسی با پیروی از روش شناسی تجربی علوم طبیعی، صورت علمی و تجربی به خود گرفت و از فلسفه جدا شد.
موضوع علم النفس یا روانشناسی فلسفی به موضوعات روان و احوال و عوارض آن می پردازد و درباره وجود نفس، حقیقت نفس، ماهیت، علت و تعریف آن بحث میکند.	روانشناسی تجربی به بررسی و مطالعه علمی رفتار به عنوان موضوعی قابل مشاهده و اندازه گیری توجه می کند و حداکثر به بررسی فرایندهای ذهنی اکتفا می کند. این رویکرد برگرفته از این پیش فرض معرفت شناختی کانتی است که عقل بشر تنها قادر به فهم و شناسایی نمودها و فیزیک اشیا خارجی است نه بودها و متافیزیک آنها. بنابراین روانشناسی تجربی به جلوه‌ها و نمودهای عینی روان توجه میکند.
روش شناسی ویژگی بارز علم النفس یا روانشناسی فلسفی کاربرست روش تعلقات نظری و قیاسی برای بررسی و کندوکاو پیرامون مسائلی مثل وجود، ماهیت، علت، مجرد و دیگر احوال نفس است	در روانشناسی تجربی تلاش برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به علوم تجربی و عینی و استفاده از روش های تجربی و آزمایشگاهی است. اوج این تلاش را در مکتب رفتارگرایی میبینیم.

نکته کنکوری: وقتی می‌گوییم با پیدایش روان‌شناسی تجربی، این علم از فلسفه جدا شد، منظورمان این است که روان‌شناسی از «فلسفه به معنای عام (اعم)» جدا شد. نه اینکه روان‌شناسی بخشی از «فلسفه به معنای خاص (اخص)» بوده باشد.

کادر توضیح

فلسفه به معنای اعم شامل تمام شاخه‌های حکمت نظری (مثل طبیعیات، ریاضیات، الهیات) و حکمت عملی (مثل اخلاق، سیاست، تدبیر منزل) می‌شود. **فلسفه به معنای اخص** معمولاً فقط به «الهیات» یا «متافیزیک» گفته می‌شود، یعنی بخشی از حکمت نظری که درباره وجود و ماهیت هستی بحث می‌کند.

نکته کنکوری: براساس دسته‌بندی ارسطو، **علم النفس** جزو دسته **طبیعیات** قرار می‌گیرد که با این کار ارسطو جایگاه و مرتبه علمی این علم را مشخص کرد و راه را برای مشاهدات علمی در این امر گشود. اغلب دانشمندان مسلمان از جمله ابن سینا و فارابی به تبعیت از تقسیم بندی ارسطو، علم النفس را در دسته طبیعیات قرار می‌دهند.

کادر توضیح: ضعف‌های روانشناسی امروزی!

- روان‌شناسی تجربی (مدرن)، گرچه توانسته با ابزارهای علمی و آزمایشگاهی به شناخت دقیق‌تری از رفتار انسان و آسیب‌های روانی برسد، اما ضعف‌هایی دارد که در مقایسه با روان‌شناسی فلسفی برجسته می‌شود:
- نگاه آن غالباً مادی و مکانیکی به انسان دارد و از ساحت‌های معنوی، روحی و غایی انسان غافل است.
 - اغلب یافته‌های خود را از حیوانات به انسان تعمیم می‌دهد، درحالی‌که انسان دارای عقل، اختیار، اخلاق و روح است.
 - به هدف نهایی زندگی انسان، سعادت یا شقاوت نفس، غایت وجودی او کمتر می‌پردازد.
- در مقابل، روان‌شناسی فلسفی (علم النفس) با بهره‌گیری از عقل، تأمل و شناخت جوهره وجود انسان، به مسائل معنوی، اخلاقی و غایی انسان توجه می‌کند و کمال‌یابی نفس را اصل می‌داند. کند.

کدام مورد از ضعف‌های روان‌شناسی موجود نیست؟ **تست ارشد ۱۴۰۳**

(۲) تعمیم یافته‌ها از حیوان به انسان

(۱) نگاه مادی به انسان

(۴) پرداختن به آسیب‌ها و اختلالات روان‌شناختی

(۳) نپرداختن به عوامل سعادت و شقاوت انسان

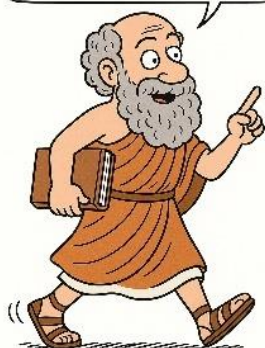
علم النفس در مکاتب مختلف

علم النفس در سنت اسلامی، مطالعه نفس و شئون آن از منظر فلاسفه، عرفا و متکلمان است؛ هرچند در برخی منابع، به اشاره‌هایی از محدثان نیز در باب روح پرداخته شده است.

۱- فلاسفه

فلاسفه به کمک عقل و استدلال منطقی، مسائل هستی را تحلیل می‌کنند. روش آن‌ها اغلب قیاسی و برهانی است (حرکت از کلیات به جزئیات)، گرچه ممکن است در مواردی از قیاس تمثیلی یا استقرایی نیز استفاده شود. **ارسطو** پدر فلسفه و **معلم اول** است و **فارابی معلم ثانی** یا **دوم** است، به طرفداران

مشاء به معنای «راه رو» است
چون ارسطو در هنگام تدریس
در حال قدم زدن بود



ارسطو **مشائیان** گفته می شود. اسکندر افرویدیسی، کندی، فارابی و ابن سینا مشائی نامیده می شوند.

۲- عرفا

عرفا حقیقت هستی و نفس انسان را نه با استدلال منطقی، بلکه از راه دل، **شهود باطنی و تجربه حضوری** درک می کنند. آن ها اعتقاد دارند که عقل، محدود است و تنها قلب پاک و سالک مجذوب می تواند به حقیقت مطلق راه یابد.

سنت عرفانی اسلامی، از افکار نوافلاطونی (به ویژه فلوپتین) تأثیر گرفته است. سهروردی تلاش کرد عرفان را با فلسفه تلفیق کند، ولی گرایش اصلی اش به شهود و اشراق بود.

نکته: به پیروان مستقیم افلاطون، **افلاطونیان (Platonists)** گفته می شود. اما به پیروان **تفسیر عرفانی افلاطون** که بیشتر به افکار فلوپتین نزدیک اند، **نوافلاطونیان (Neoplatonists)** گفته می شود.

۳- متکلمان

متکلمان از عقل برای دفاع و تبیین آموزه های دینی استفاده می کنند. علم کلام وظیفه دارد عقاید دینی را در برابر شبهات عقلانی و فلسفی تثبیت و تبیین کند. غزالی یکی از متکلمان برجسته جهان اسلام بوده که در عین حال با فلسفه نیز آشنایی عمیق داشته است.



اصطلاحات مقدماتی در علم النفس

۱- حادث و قدیم

قدیم: قدیم بودن نفس به معنای آن است که نفس **همواره** وجود داشته و ازلی است و زمانی نبوده که وجود نداشته و هیچ تغییر و استحاله ای در آن راه ندارد. در این صورت، نفس کمالات خود را داشته و چنین نبوده است که در طول زمان و به تدریج، تقاض و

کاستی های خود را بر طرف سازد و به کمالات جدیدی دست یابد. به عبارت دیگر لازمه قدیم بودن نفس آن است که نفس ذاتا جوهری کامل باشد. **افلاطون** معتقد است نفس پیش از بدن وجود داشته، از جهانی برتر آمده، و هنگام تولد به بدن تعلق می گیرد. بنابراین، نفس در نظر او نه تنها قدیم، بلکه جاودانه و مستقل از بدن است.

حادث: حدوث یعنی پدید آمدن یا به وجود آمدن پس از نبودن. وقتی می گوییم "نفس حادث است" یعنی نفس همیشه وجود نداشته، بلکه در یک زمان مشخص به وجود آمده است. در دیدگاه ارسطو و ابن سینا، **نفس با آمادگی بدنی خاصی (مزاج معتدل)** در بدن ایجاد می شود و حدوث نفس همراه با **حدوث بدن** است. نفس از نگاه آنان «صورت» بدن است؛ یعنی بدون بدن تحقق ندارد، ولی می تواند پس از مرگ مستقل بماند (در نظر ابن سینا).

تست های طبقه بندی شده فصل اول

- ۱- کدام فیلسوف برای اولین بار تعریف مشخص و سنجیده و روشنی درباره نفس بیان کرد؟ ارشد ۸۱
- الف) فارابی
ب) افلاطون
ج) ارسطو
د) کندی

- ۲- روش تحقیق در روانشناسی جدید عبارت است از: ارشد ۸۳
- الف) رفتارشناسی
ب) استدلال فلسفی
ج) مشاهده و تجربه
د) کشف و شهود

- ۳- مباحث نمودهای رفتاری و ماهیت جان به ترتیب در..... مطرح میشوند. ارشد ۸۳
- الف) فلسفه و روانشناسی جدید
ب) روانشناسی امروز و فلسفه
ج) زیست شناسی و روانشناسی اسلامی
د) روانشناسی امروز و زیست شناسی

- ۴- از نظر حکمای مسلمان، برای اجسام کمال وجود ندارد، این کمال خاص اجسام است که باید ابزارهایی هم داشته باشند. ارشد ۹۲

- الف) صناعی-طبیعی
ب) حیوان-انسان
ج) بیجان-جاندار
د) طبیعی-صناعی

- ۵- کدام مورد نظر اغلب دانشمندان اسلامی در مورد عقل است؟ ارشد ۹۵

- الف) تغییر رفتار ناهنجار انسان ربطی به نگرش او ندارد
ب) عقل مهمترین ابزار شناخت انسان است
ج) حواس پنجگانه از ابزار های مهم شناخت انسان محسوب نمیشوند

- د) فقط حس و عقل ابزار شناخت انسان است

- ۶- دانشمندان مسلمان در تحقیقات مربوط به نفس اغلب از کدام روش ها استفاده کرده اند؟ ارشد ۹۸
- الف) تمثیلی و عقلی
ب) عقلی و قیاسی
ج) استقرایی و تمثیلی
د) استقرایی و تجربی

- ۷- بسیط یعنی چه و با کدامیک از مفاهیم روانشناختی تطابق بیشتری دارد؟ ارشد ۹۹
- الف) تفضیلی-عواطف
ب) گسترده-شناخت
ج) ساده-خودآگاه
د) بدون جزء-خود

- ۸- محتوای علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، بیشتر با کدام بخش از علم روانشناسی دارای فصل مشترک است؟ ارشد ۱۴۰۱

- الف) تحقیقات توسعه ای
ب) فلسفه روانشناسی
ج) مطالعات کاربردی
د) تحقیقات پایه

- ۹- کسانی که اعتقاد به وجود روح ندارند به کدام دیدگاه ها در مورد نفس نزدیک ترند؟ ارشد ۱۴۰۳

- الف) جسمانية الحدوث و روحانية البقاء بودن نفس
ب) روحانية الحدوث و روحانية البقاء بودن نفس
ج) روحانية الحدوث و جسمانية البقاء بودن نفس
د) جسمانية الحدوث و جسمانية البقاء بودن نفس

- ۱۰- کدام مورد از ضعف های روان شناسی موجود نیست؟ ارشد ۱۴۰۳

- الف) نگاه مادی به انسان
ب) تعمیم یافته ها از حیوان به انسان

۷- گزینه د: بدون جزء - خود

بسیط به معنای تجزیه ناپذیری و همچنین فاقد اجزا بودن و ساده و مرکب نبودن است. وقتی می‌گوییم نفس بسیط است یعنی نفس اجزا ندارد و تقسیم ناپذیر است مفاهیم روان شناختی همچون خود و یا ایگو یا self مرتبط با مفهوم بسیط است.

۸- گزینه د: تحقیقات پایه

علم النفس یا پایه فلسفی روانشناسی به تعریف و اثبات نفس و قوای آن می‌پردازد. تحقیقات بنیادی یا پایه ای از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن هدف کاربردی خاص صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد.

۹- گزینه د) جسمانية الحدوث و جسمانية البقاء بودن نفس

نفس «جسمانية الحدوث و البقاء» است؛ یعنی نفس در ابتدای حدوث و خلقتش جسمانی و مادی است و در ادامه ی حیاتش نیز مادی باقی میماند. این نظریه مورد قبول جمعی از متکلمان، محدثان و مادی‌گرایان است که به وجود نفس و روح اعتقادی ندارند.

۱۰- گزینه د) پرداختن به آسیب ها و اختلالات روان شناختی

در روانشناسی تجربی امروزی تلاش برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به علوم تجربی و عینی و استفاده از روش های تجربی و آزمایشگاهی است. اوج این تلاش را در مکتب رفتارگرایی میبینیم که سعی در تعمیم یافته های از حیوان به انسان دارد.

روانشناسی تجربی به بررسی و مطالعه علمی رفتار به عنوان موضوعی قابل مشاهده و اندازه گیری توجه می‌کند و حداکثر به بررسی فرایندهای ذهنی اکتفا می‌کند.

این رویکرد برگرفته از این پیش فرض معرفت شناختی کانتی است که عقل بشر تنها قادر به فهم و شناسایی نمود ها و فیزیک اشیا خارجی است نه بود ها و متافیزیک آنها. بنابراین روانشناسی تجربی امروزی به جلوه ها و نمود های عینی روان توجه میکند و نگاه مادی به انسان دارد.

۱۱- گزینه د: وونت

۱۲- گزینه الف: سقراط

۱۳- گزینه ب: رفتارگرایی

ج) نپرداختن به عوامل سعادت و شقاوت انسان

د) پرداختن به آسیب ها و اختلالات روان شناختی

۱۱- روانشناسی اگر به عنوان « روانشناسی تجربی » مدنظر باشد

شکل گیری آن به وسیله چه کسی بوده است؟ تالیفی

الف) سقراط

ب) تیچنر

ج) جالینوس

د) وونت

۱۲- روانشناسی اگر به عنوان « روانشناسی فلسفی » مدنظر باشد

شکل گیری آن به وسیله چه کسی بوده است؟ تالیفی

الف) سقراط

ب) کانت

ج) هگل

د) وونت

۱۳- کدامیک از مکاتب روانشناسی زیر کمتر به مباحث نفس و

نفسانیت آن میپردازند؟ تالیفی

الف) روانکاوی

ب) رفتارگرایی

ج) شناخت گرایی

د) گزینه الف و ب

پاسخنامه کلیدی و تشریحی فصل اول

۱- گزینه ج: ارسطو

۲- گزینه ج: مشاهده و تجربه

۳- گزینه ب: روانشناسی امروز و فلسفه

۴- گزینه الف: صناعی-طبیعی

۵- گزینه ب: عقل مهم ترین ابزار شناخت انسان است.

ابزارهای شناخت از دیدگاه فلاسفه: ۱- حواس ۵ گانه ۲- ابزار

خیالی ۳- ابزار وهمی ۴- ابزار قلبی و شهودی ۵- ابزار عقلی:

عقل مهم ترین ابزار شناخت انسان است.

۶- گزینه ب: عقلی و قیاسی

ویژگی بارز علم النفس یا روانشناسی فلسفی کاربرست روش

تعقالات نظری و قیاسی برای بررسی و کندوکاو پیرامون مسائلی

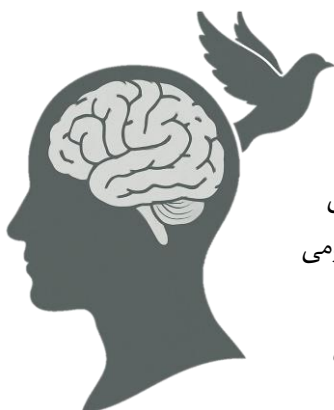
مثل وجود، ماهیت، علت، تجرد و دیگر احوال نفس است.



بخش دوم: انسان در قرآن و احادیث



فصل یازدهم: عقل و هوش



تعاریف و نظریات درباره هوش

هوش یکی از مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی است که با وجود اهمیت فراوانش، همچنان تعریفی یگانه و جامع از آن ارائه نشده است. دیدگاه‌های مختلف، تعاریف متنوع و بعضاً متضادی را درباره چیستی و ماهیت هوش مطرح کرده‌اند. برخی از روان‌شناسان، هوش را یک قابلیت واحد، کلی و عمومی می‌دانند که در تمامی فعالیت‌های ذهنی نقش دارد. در مقابل، گروهی دیگر بر این باورند که هوش مفهومی چندبعدی است و شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادهای گوناگون می‌شود. نکته قابل توجه این است که هوش به‌طور مستقیم قابل مشاهده یا اندازه‌گیری نیست، بلکه تنها از طریق نمودهای بیرونی آن یعنی **رفتارها، تصمیمات و عملکردهای فردی** می‌توان به سطح آن پی برد. در بسیاری از تعاریف، سه مؤلفه اساسی به‌عنوان ارکان اصلی هوش معرفی می‌شوند این مؤلفه‌ها به‌عنوان شاخص‌هایی برای شناسایی و ارزیابی هوش در نظر گرفته می‌شوند.

۱. سازگاری با محیط

۲. توانایی یادگیری

۳. تفکر انتزاعی

نکته: هوش از خصایص کمابیش ثابت رفتار به شمار می‌آید. مطالعات نشان داده‌اند که مؤلفه‌هایی از هوش، به‌ویژه آنچه به عنوان «هوش عمومی» یا عامل g شناخته می‌شود، در طول زندگی فرد از ثبات نسبی برخوردار است، اما هوش می‌تواند تحت تأثیر عوامل محیطی، تجربیات، آموزش و تمرین تغییر کند.

نکته: همه‌ی انسان‌ها دارای هوش و ظرفیت ذهنی هستند، اما میزان و نوع آن متفاوت است. تفاوت در هوش میان شخص تیزهوش و کندهوش به این معنی نیست که شخص کندهوش فاقد قدرت ذهنی است.

نکته: بسیاری از حیوانات نیز دارای نوعی از هوش هستند و توانایی یادگیری، حل مسئله و سازگاری با محیط را دارند، هرچند ساختار آن با هوش انسانی تفاوت دارد. هوش حیوانات بیشتر در چارچوب غریزی، بقا و تعامل‌های مستقیم محیطی عمل می‌کند و فاقد انتزاع‌گرایی و زبان پیچیده انسانی است.

کادر توضیح: پیشگامان مطالعه هوش

فرانسیس گالتون، از نخستین دانشمندانی بود که به مطالعه تفاوت‌های فردی علاقه‌مند شد و تلاش کرد ابزارهایی برای سنجش آن طراحی کند. او معتقد بود که هوش قابل اندازه‌گیری است و بر همین اساس، آزمون‌هایی برای ارزیابی حساسیت‌های حسی و توانایی‌های حرکتی ارائه کرد.

جیمز مک کین کتل، روان‌شناس آمریکایی و از پیروان گالتون، تمرکز خود را بر سنجش تفاوت‌های فردی در زمینه هوش و توانایی‌های ذهنی گذاشت.

اما نقطه عطف در مطالعه علمی هوش را می‌توان به فعالیت‌های **آلفرد بینه** و همکاری **تئودور سیمون** نسبت داد. بینه، در پی یافتن شاخصی کمی و کاربردی و ملموس و سریع برای ارزیابی هوش بود. نخستین آزمون رسمی هوش در سال ۱۹۰۵ توسط این دو روان‌شناس در فرانسه طراحی شد. آزمونی که بعدها اساس بسیاری از ابزارهای مدرن سنجش هوش قرار گرفت.

نظریه‌های کلاسیک و مدرن درباره هوش

(۱) **اسپیرومن**: چارلز اسپیرمن از طریق تحلیل آماری آزمون‌های روانی به این نتیجه رسید که میان عملکرد افراد در آزمون‌های مختلف، همبستگی معناداری وجود دارد. او از این مشاهدات، نظریه‌ای ارائه داد که بر اساس آن، هوش از دو عامل تشکیل شده است:

عامل عمومی (g) توانایی ذهنی کلی که در همه فعالیت‌های شناختی دخالت دارد.

عوامل اختصاصی (s) توانایی‌های خاص مرتبط با وظایف یا حوزه‌های مشخص.

نکته: اسپیرمن، به تشریح مفهومی پرداخته است که آن را **هوش عمومی** یا «عامل g» نامیده است. او پس از استفاده از روشی به نام «تحلیل عاملی» برای بررسی تعدادی از آزمون‌های استعداد روانی، متوجه شد که امتیاز این آزمون‌ها به نحو قابل ملاحظه‌ای به یکدیگر شبیه هستند. کسانی که نتایج خوبی در یک آزمون شناختی کسب کرده بودند، در سایر آزمون‌ها نیز نتایج خوبی به دست آورده بودند و برعکس. اسپیرمن نتیجه‌گیری کرد که هوش یک قابلیت شناختی عمومی است که قابل ارزیابی و کمی شدن می‌باشد.

(۲) **ثرندایک و انواع هوش**: ثرندایک هوش را به سه نوع تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی، نخستین تلاش برای شناسایی ابعاد مختلف هوش در زندگی واقعی بود.

هوش اجتماعی: توانایی درک دیگران و تعامل مؤثر با آن‌ها؛

هوش عینی: توانایی کار با اشیاء و ابزارهای فیزیکی؛

هوش انتزاعی: توانایی کار با مفاهیم کلامی و ریاضی.

(۳) **تورستون و توانایی‌های ذهنی اولیه:** تورستون نظریه اسپیرمن را رد کرد و معتقد بود که هوش پدیده‌ای چندبعدی است و از توانایی‌های خاص و جداگانه‌ای تشکیل شده است. او هفت توانایی ذهنی مستقل را به‌عنوان اجزای اصلی هوش معرفی کرد:

۱. درک کلامی
۲. استدلال
۳. سرعت ادراک
۴. توانایی عددی
۵. سیالی واژگانی
۶. حافظه تداوی
۷. تجسم فضایی

نکته: بر اساس این دیدگاه، هر فرد ممکن است در برخی از این مؤلفه‌ها قوی‌تر یا ضعیف‌تر باشد.

(۴) **گیلفورد و ساختار عقل:** گیلفورد الگویی سه‌بعدی و ساختاری برای هوش ارائه داد که به "مکعب هوش" معروف است. او معتقد بود هوش از تعامل سه مؤلفه زیر تشکیل می‌شود:

فرایندها: شامل انواع عملیات ذهنی مانند حافظه، استدلال، خلاقیت و ارزیابی؛

محتوا: اطلاعاتی که پردازش می‌شود (دیداری، شنیداری، نمادی، معنایی و رفتاری)؛

فرآورده‌ها: نتایج پردازش اطلاعات مانند واحدها، رابطه‌ها، طبقه‌ها، نظام‌ها و دلالت‌ها.

(۵) **گاردنر و نظریه هوش‌های چندگانه:** گاردنر در دهه ۱۹۸۰، با ارائه نظریه «هوش‌های چندگانه»، نگاه تک‌بعدی به هوش را به چالش کشید. او معتقد بود که انسان‌ها دارای گونه‌های مختلفی از هوش هستند که شامل موارد زیر است:

۱. هوش زبانی - کلامی
۲. هوش منطقی - ریاضی
۳. هوش فضایی - تصویری
۴. هوش بدنی - جنبشی
۵. هوش موسیقایی
۶. هوش میان‌فردی (درک دیگران)
۷. هوش درون‌فردی (درک خود)
۸. هوش طبیعت‌گرا

(۶) **استرنبرگ و هوش موفق:** استرنبرگ هوش را مجموعه‌ای از مهارت‌های فکری و عملی می‌داند که برای حل مسائل و تطابق با محیط به کار می‌روند. استرنبرگ هوش را اینگونه تعریف می‌کند: «فعالیت ذهنی، در جهت انطباق هدفمند با محیط واقعی مربوط به زندگی شخص یا انتخاب و شکل دهی آن». او هوش را شامل سه مؤلفه می‌داند:

هوش تحلیلی یا مولفه ای: توانایی تحلیل و ارزیابی اطلاعات و حل مسئله؛

هوش مولد یا خلاق یا تجربه ای: توانایی نوآوری، تطبیق با موقعیت‌های تازه و استفاده از تجربه‌های گذشته؛

هوش عملی یا محیطی: مهارت‌های روزمره و توانایی انطباق با شرایط محیطی و محیط در حال تغییر.

او همچنین میان هوش و موفقیت در زندگی واقعی رابطه‌ای مستقیم قائل است و این نظریه را «**هوش موفق**» نامیده است.

(۷) وکسلر و تعریف جامع هوش: وکسلر تعریف نسبتاً جامعی از هوش ارائه کرده است: «هوش، توانایی کلی و جامع فرد برای تفکر منطقی، اقدام هدفمند و سازگاری مؤثر با محیط است.»

مهم‌ترین بخش این تعریف، تأکید بر **سازگاری با محیط** است. این دیدگاه با نظریه **ژان پیاژه**، که هوش را نوعی «سازش ذهنی با محیط» از طریق تعادل میان درونی‌سازی (جذب اطلاعات) و برونی‌سازی (سازمان‌دهی به واقعیت) می‌داند، هماهنگ است.

نکته: با توجه به نقش سازگاری در هوش، همه ی موجودات (انسان و حیوان) و همه ی انسان‌ها با هر توانایی ذهنی دارای هوش هستند.

کادر توضیح: ارتباط هوش و عقل

هوش به انسان توانایی حل مسائل و سازگاری با محیط را می‌دهد، درحالی‌که عقل قوه‌ای است که تشخیص مسیر درست، ارزش‌های اخلاقی و حقیقت را بر عهده دارد. رابطه این دو را می‌توان به **ابزار (هوش) و راهنما (عقل)** تشبیه کرد. هر چه هوش بیشتر باشد، عملکرد عقل بهتر خواهد شد، اما عقل است که تعیین می‌کند این ابزار در چه مسیری به کار گرفته شود.

بنابراین **هوش و عقل یکسان نیستند**. زیرا افراد با هوش بالا لزوماً تصمیمات عاقلانه نمی‌گیرند. هوش و عقل کاملاً متفاوت (متباین) هم نیستند زیرا وجود میزان متوسطی از هوش لازمه عاقل بودن و زندگی عاقلانه است. کسی که کم توان ذهنی باشد یا از هوش متوسطی برخوردار نباشد نمیتواند زندگی عاقلانه داشته باشد.

در مقایسه بین هوش از دیدگاه روانشناسی و عقل از دیدگاه اسلامی میتوان گفت که این دو مفهوم از جهاتی به هم اشتراک داشته و از جهاتی با هم تفاوت دارند بنابراین رابطه آنها عموم و خصوص من وجه است. سعادتمندترین افراد کسانی هستند که هم از نظر هوشی و هم از نظر عقلی توانایی بالایی داشته باشند.

تست کنکور ارشد ۱۴۰۰

در مقایسه هوش روانشناختی و عقل از دیدگاه اسلامی میتوان گفت که رابطه آن‌ها عبارت است از:

(۱) تساوی (۲) تباین (۳) عموم و خصوص مطلق (۴) عموم و خصوص من وجه

کادر توضیح: نشانه‌های عاقل و جاهل در حکمت ۲۳۵ نهج البلاغه

وَقِيلَ لَهُ صِفْ لَنَا الْعَاقِلَ، فَقَالَ (عليه السلام): هُوَ الَّذِي يَصْنَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ؛ فَيَقِيلُ فَصِفْ لَنَا الْجَاهِلَ، فَقَالَ قَدْ فَعَلْتُ.

امام علی (علیه‌السلام) در پاسخ به این سؤال که «عقل را برای ما توصیف کن» فرمودند: «**عقل چیزی است که هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد**». به عبارت دیگر، عقل توانایی تشخیص درست و نادرست و قرار دادن هر چیزی در موقعیت مناسب آن است. این تعریف جامع، عقل را به عنوان یک نیروی هدایت‌گر و مرتب‌کننده در زندگی معرفی می‌کند. به بیان دیگر امام علی (ع) با این سخن، عاقل را کسی می‌داند که می‌تواند امور را به درستی تشخیص داده و در جایگاه مناسب خود قرار دهد. این امر شامل تشخیص اولویت‌ها، درک موقعیت‌ها و تصمیم‌گیری درست بر اساس شرایط موجود می‌شود. در واقع، این تعریف نشان می‌دهد که عقل تنها یک توانایی ذهنی نیست، بلکه یک نیروی عملی است که در رفتار و کردار انسان تجلی می‌یابد.

نخونه جزوه جامع علم النفس (فرزانه قیومی)



بخش سوم: ضمیمه نکات ترکیبی



۱. مسئولیت‌پذیری در واقعیت‌درمانی

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا
«ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، پس از پذیرفتن آن، سر باز زدند و ترسیدند اما انسان آن را پذیرفت، زیرا او ستم‌کار و نادان بود»

تحلیل روان‌شناختی: در واقعیت‌درمانی (Reality Therapy) که توسط ویلیام گلسر پایه‌گذاری شده، بر پذیرش مسئولیت شخصی تأکید می‌شود. انسان در این رویکرد باید بپذیرد که انتخاب‌هایش را خودش انجام می‌دهد. آیه فوق نیز پذیرش "امانت الهی" توسط انسان را نوعی مسئولیت‌پذیری و تصمیم آگاهانه می‌داند. این که انسان برخلاف مخلوقات دیگر آن را پذیرفت، نشان‌دهنده اختیار و مسئولیت سنگین اوست که باید پاسخگوی آن باشد.

۲. خودشکوفایی در هرم مازلو و نفس مطمئنه

در بالاترین سطح هرم نیازهای مازلو، انسان به مرحله‌ای می‌رسد که تمامی ظرفیت‌های بالقوه خود را محقق می‌سازد و به رضایت درونی و معنا دست می‌یابد. این همان حالتی است که قرآن از آن با عنوان "نفس مطمئنه" یاد می‌کند؛ یعنی آرامش و رضایتی که نتیجه رشد کامل شخصیت، تسلیم در برابر حقیقت و ارتباط ژرف با خداوند است. بنابراین، خودشکوفایی در روان‌شناسی مدرن، با بلوغ معنوی در قرآن هم‌پوشانی دارد.

۴. افزایش ایمان و آرامش روانی؛ ارتباط با منبع قدرت معنوی

وَ إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ «و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود، ایمانشان افزون گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکل دارند».

تحلیل روان‌شناختی: در درمان عاطفی - هیجانی مثل رویکرد EFT، رابطه‌درمانی نقش مهمی در بهبود دارد. در آیه بالا نیز مشاهده می‌کنیم که ارتباط با خداوند و شنیدن کلام الهی، ایمان را افزایش و اضطراب را کاهش می‌دهد. در روان‌درمانی هم اثبات شده که برقراری ارتباط امن با منبعی مقتدر (در اینجا خداوند) یا با درمانگر، می‌تواند عامل آرامش روانی و تحول هیجانی مثبت باشد.

۵. عقده حقارت و رقابت جویی در نظریه آدلر

«فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا» پس در امور نیک بر یکدیگر سبقت جویید. بازگشت همه شما به سوی خداست.
تحلیل روان‌شناختی: یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه آدلر، احساس حقارت و انگیزه رقابت برای برتری یافتن است. در قرآن نیز رقابت، اما به شکلی هدفمند و اخلاقی، مورد تأیید قرار گرفته است؛ یعنی در مسیر نیکی و کارهای خیر. این نوع رقابت، نه از سر حسادت یا خودبزرگ‌بینی، بلکه برای رشد فردی و اجتماعی است.
امام صادق (ع): هیچ کسی نیست که تکبر بورزد یا زورگویی کند، مگر به دلیل ذلتی که در درون خود می‌یابد.
تحلیل روان‌شناختی: این حدیث به صراحت به همان مفهوم عقده حقارت یا خودبزرگ‌بینی جبرانی آدلر اشاره دارد. آدلر معتقد بود که افراد برای جبران احساس کم‌ارزشی درونی خود، ممکن است رفتاری خودبزرگ‌بینانه، مستبد یا متکبرانه بروز دهند. این تطابق دقیق میان حدیث و روان‌درمانی، نشان‌دهنده درک عمیق روان‌انسان در منابع دینی است.

۶. موعظه و اندرز به عنوان ابزار درمانی

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» ای مردم، به حقیقت نامه‌ای که همه پند و اندرز و شفای دلها و هدایت و رحمت بر مؤمنان است از جانب خدایتان آمد.

تحلیل روان‌شناختی: در فرهنگ قرآن یکی از راه‌های مؤثر و اساسی روان‌درمانی، استفاده از مواعظ و اندرزهای قرآنی است. این آیه بر جنبه‌های شناختی و رهنمودی درمان تأکید دارد. «موعظه» نوعی بازسازی شناختی است که به انسان درک جدیدی از مسائل می‌دهد. این رویکرد شباهت زیادی با درمان شناختی-رفتاری (CBT)، رفتاردرمانی و حتی هیپنوتیزم درمانی دارد. در مقابل، درمان مراجع‌محور (Client-Centered Therapy) کارل راجرز، بیشتر بر رویکرد غیررهنمودی تأکید دارد که در آن خود مراجع به شناخت و تصمیم‌گیری می‌رسد.

۷. حفظ تعادل روانی و مدیریت هیجانات

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ تا بر آنچه از دست دادید، تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شد، (سرمستانه) شادمانی نکنید و خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد.

تحلیل روان‌شناختی: این آیه روشی تجویزی برای تنظیم هیجانات و حفظ تعادل روانی در شرایط مختلف را ارائه می‌دهد. مفهومی مشابه با آنچه در روان‌درمانی به عنوان مدیریت هیجانات، ذهن‌آگاهی، پذیرش و رضایت از موقعیت فعلی مطرح می‌شود. این نگاه به زندگی، نزدیک به مفهوم «نفس مطمئنه» است؛ جایی که فرد تحت تأثیر افراطی عواطف قرار نمی‌گیرد و تعادل درونی خود را حفظ می‌کند.

۸. ذهن‌آگاهی و مراقبه (Mindfulness)

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ به‌راستی دل‌ها با یاد خدا آرام می‌گیرد. پیامبر (ص): الإحسان أن تعبد الله كأنك تراه، فإن لم تكن تراه فإنه يراك اخلاص آن است که خدا را چنان بپرستی که گویی او را می‌بینی، و اگر نمی‌بینی، بدان که او تو را می‌بیند.

تحلیل روان‌شناختی: مراقبه و ذهن‌آگاهی یعنی تمرکز آگاهانه بر حال، بدون قضاوت. در روان‌درمانی نوین این تمرین‌ها موجب کاهش اضطراب، بهبود تمرکز و تنظیم عاطفی می‌شوند. در اسلام، مفهوم "مراقبه" یا مراقبت معنوی، با یاد خدا و حضور قلب در نماز، باعث آرامش روح و انتقال ذهن از منفی‌نگری به حالت تمرکز و حضور می‌شود.

امام صادق (ع) فرمودند: «هیچ کسی نیست که تکبر بورزد و یا زورگویی، کند مگر به دلیل ذلتی که در درون خود می‌یابد.» این حدیث بیشتر با کدام مورد زیر همگرایی دارد؟ **کنکور ارشد ۱۴۰۱**

(۲) عقده خودبزرگ بینی آدلر

(۱) همانندسازی با پرخاشگر هورنای

(۴) غریزه مرگ فروید

(۳) آرکی تایپ سایه یونگ

پیام روان‌شناختی آیه شریفه زیر (۲۳ سوره حدید) چیست؟ **کنکور ارشد ۱۴۰۱**

«این به خاطر آن است که برای آنچه از دست داده اید تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است، دلبسته و شادمان نباشید.»

(۲) توجه دادن به زمان حال و بهره‌مندی از آن

(۱) روشی تجویزی برای حفظ تعادل روانی در شرایط مختلف

(۴) اشاره به تغییرات مختلف در زندگی انسان

(۳) اشاره به برخی ویژگی‌های طبیعی انسان

نمونه جزوه جامع علم النفس (فرزانه قیومی)

منابع و مراجع

در تألیف این کتاب، از مجموعه‌ای از منابع معتبر اسلامی و علمی بهره گرفته شده است تا مباحث علم النفس با رویکردی تطبیقی، جامع و عمیق ارائه شوند. این منابع شامل آثار برجسته‌ای در حوزه روان‌شناسی اسلامی، فلسفه اسلامی و علم النفس تطبیقی می‌باشند. مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از:

- روان‌شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی، دکتر علی اصغر احمدی - انتشارات امیرکبیر
- علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان‌شناسی جدید، دکتر بنی جمالی و دکتر احدی - انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی
- علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، دکتر محمدباقر کجیاف - انتشارات روان
- علم النفس از دیدگاه دانشمندان مسلمان، دکتر محمد عثمان نجاتی - انتشارات رشد
- قرآن و روان‌شناسی، دکتر محمد عثمان نجاتی - انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- حدیث و روان‌شناسی، دکتر محمد عثمان نجاتی - انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی
- فلسفه اخلاق، شهید آیت الله مرتضی مطهری - انتشارات صدرا
- فطرت، شهید آیت الله مرتضی مطهری - انتشارات صدرا
- شرح منظومه، حکیم سبزواری - انتشارات بیدار

علم النفس، به عنوان یکی از دروس بنیادین رشته روان‌شناسی، به بررسی ماهیت نفس، رابطه آن با بدن و دیدگاه‌های مختلف فلسفی و اسلامی در این زمینه می‌پردازد. این کتاب با رویکرد آموزشی و تحلیلی، به دانشجویان کمک می‌کند تا ضمن آمادگی کامل برای آزمون، فهمی ریشه‌ای و دقیق از مباحث کسب کنند. همچنین با پوشش جامع منابع اصلی، دسته‌بندی مفهومی و ارائه نکات ترکیبی با روان‌شناسی، ابزاری کاربردی برای درک عمیق این درس می‌باشد.

علم النفس (فرزانه قیومی)

